احاطه‌ی امام علیه السلام به عوالم عاملی در القای چند وجهی کلام

بنابراین از یک ضمیر، در عبارت این قدر کار می‌آید. برای مثل امیرالمؤمنین علیه‌السلام که می‌خواهند جمله بگویند، هیچ مشکلی ندارند که از این ضمیر «ه» برای دو کار استفاده کنند. «غیره» یعنی «غیر ذاته». «معلوم غیره» یعنی «غیر معلومه». مشکلی ندارند. اشراف کامل دارند بر کاربرد ضمیر و مرجع‌های احتمالی صحیح. مرجع‌های غیر صحیح که نه، مرجع‌های احتمالی‌ای که صحیح است، همه‌ی آن‌ها در مرأی و مسمع آن‌ها است و همه را هم اراده می‌کنند. چه مانعی هست برای حکیم مطلقی که دارد، می‌بیند همه‌ی این وجوه صحیح است، که همه‌ی آن‌ها را اراده کند؟!

شاگرد: در قرآن که همیشه به این صورت هست، حتی در کلمات ائمه علیهم السلام، گاهی در این فضاها معلوم است که عبارتی به این صورت می‌گویند، ولی در برخی از جاها معلوم است که در مقام این هستند که مثل نجاست و طهارتی معلوم کنند، اینجا مقصود نیست؟

استاد: بله؛ اینکه قرینه‌ی خارجیه داشته باشیم که تعیین‌کننده باشد امام در اینجا معانی دیگری را اراده نکرده باشند، من منکر نیستم. این جور نیست که محال باشد.

شاگرد 2: طهارت و نجاست خصوصیت ندارد، همه‌جا هست.

شاگرد: بله؛ در این جاها می‌بینیم که دارد یک معارفی القاء می‌شود و از مواردی است که هر ناظری ببیند، می‌فهمد.

شاگرد 3: چه مشکلی دارد که در طهارت و نجاست هم معارفی را برای اهلش بگوید؟!

شاگرد: یعنی جاهایی که با عرف ضعیف مواجه شده‌اند، می‌توانیم این کار را انجام بدهیم؟!

استاد: علی أیّ حال، اصل فرمایش شما که معقول است. گاهی حکمت اقتضای توحد دارد. در این مشکلی ندارم. اما این‌که کسانی که علم‌شان احاطه دارد و چیزهایی می‌بینند که ما نمی‌بینیم، ما نمی‌توانیم آن را انکار کنیم. به‌خصوص در شریعت خاتمیه‌ی اسلامیه که جمع بین ظاهر و باطن شده است.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:08:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 15:15:51 توسط ... .